




Irano-Islamic Research in Politics, Vol.2, No3, 101-135.

 [20.1001.1.28212088.1402.2.2.1.0](https://doi.org/10.1001.1.28212088.1402.2.2.1.0)

Examination of the components of Sayyid Qutb's political approach in Tafsir Fi-Zalal-e-Qur'an; based on Skinner's intentional hermeneutic method¹

Lida Madadi²

Hossein Khoshdel Mofard³

Mohammad Nasehi⁴

Abstract

The political orientation to the interpretation of the Holy Quran has been one of the interpretation methods and one of the innovations of the commentators of the Holy Quran in recent centuries. According to this trend, the commentators seek to find answers to the political issues of the societies and seek the solution to the problems and problems from the Holy Quran. Sayyid Qutb's comments regarding political issues in this interpretation are facing challenges, the nature of which is the problem of this article. The method of collecting information in this research is library and documentary and with descriptive and analytical methods. has been placed. In order to achieve this purpose, using Quentin Skinner's hermeneutic intentionalist methodological model, the understanding and decoding of the hidden meaning behind Seyyed Qutb's opinions was discussed. Based on the findings and results of the article, the dual linguistic and intellectual fields such as the influence of the political family, the internal crises of the Islamic world, joining the Muslim Brotherhood, the intellectual influence of the Al-Manar movement, the influence of the contemporary Salafi movement and imprisonment on the one hand, and practical and environmental contexts such as governance Religion, Jahili society, influence on radical groups, instrumental view of religion, strong stance on people of the book and strict criticism of western civilization on the other hand, caused Seyyid Qutb to adopt the method of political interpretation.

Keywords: Tafsir, political, Fi-Zalal, Al-Qur'an, Seyyed Qutb, Skinner's hermeneutic intentional method.

¹ . Received: 2023/05/28; Accepted: 2023/10/24; Printed: 22/11/2023

² Phd. Student in theology, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. madadi.ph1986@gmail

³ Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran khoshdel@yahoo.com (corresponding Author).

⁴ Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran dr.mnasehi@gmail.com



سیاست پژوهی اسلامی ایرانی، سال دوم، شماره سوم (پیاپی هفتم) پاییز ۱۴۰۲، ۱۰۱-۱۳۵.

بررسی مؤلفه‌های رویکرد سیاسی سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن؛ بر اساس روش قصدگرایی هرمنوتیک اسکینر^۱

لیدا مددی^۲

حسین خوشدل مفرد^۳

محمد ناصحی^۴

چکیده

گرایش سیاسی به تفسیر قرآن مجید یکی از روش‌های تفسیری و از نوآوری‌های مفسران قرآن کریم در سده‌های اخیر بوده است. بر طبق این گرایش، مفسران به دنبال پیدا کردن جواب‌هایی برای مسائل سیاسی جوامع هستند و راه‌حل معضلات و مشکلات را از قرآن کریم می‌جویند. در این میان آرا و اندیشه‌های سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن، شایسته بازخوانی است. دیدگاه‌های سید قطب در خصوص مسائل سیاسی در این تفسیر با چالش‌هایی مواجه است که چپستی آن، مسئله این مقاله را سامان داده است. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی و تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. جهت نیل به این مقصود، با استفاده از الگوی روش‌شناختی قصدگرایی هرمنوتیک کوئنتن اسکینر به فهم و رمزگشایی از معنای نهفته در پس آرای سید قطب پرداخته شد. بر اساس یافته‌ها و نتایج مقاله، زمینه‌های دوگانه زبانی - فکری مانند تأثیر خانواده سیاسی، بحران‌های داخلی جهان اسلام، پیوستن به اخوان المسلمین، تأثیر فکری جریان المنار، تأثیر جریان سلفی معاصر و زندانی شدن از یک سو و بسترهای عملی و محیطی از قبیل حاکمیت دینی، جامعه جاهلی، تأثیرگذاری بر گروه‌های رادیکال، نگاه ابزاری به دین، موضع شدید دربار اهل کتاب و نقد سخت‌گیرانه تمدن غرب از سوی دیگر، سبب اتخاذ روش تفسیر سیاسی از طرف سید قطب شد.

واژگان کلیدی: تفسیر، سیاسی، فی ظلال، القرآن، سید قطب، روش قصدگرایی هرمنوتیک اسکینر.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۹/۱

۲ دانشجوی دکتری الهیات، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران، madadi.ph1986@gmail.com

۳ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)، khoshdel@yahoo.com

۴ استادیار گروه معارف اسلامی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران، dr.mnasehi@gmail.com

مقدمه

گرایش سیاسی، گرایش تفسیری نوپدید است که از روش تفسیر عقلی - اجتهادی برآمده و به معنای توجه به مفاهیم سیاسی و نیازهای واقعی عصر حاضر است که مفسر در این روش تلاش می‌کند بین نظریه قرآن در زمینه مسائل سیاسی هماهنگی برقرار کند. مفسر در این تفسیر از موضعی متعهدانه و مسئولانه به قضایا نگاه می‌کند و نگران حوادث و تحولات است و از همین رو است که همه راه‌حل‌ها را بررسی می‌کند و آنچه را مطابق فرهنگ و تعالیم قرآنی می‌یابد، ارائه می‌دهد (ایازی، ۱۴۱۴، ۵۳).

عده‌ای بر این باورند که منظور از تفسیر سیاسی قرآن، اندیشه‌ای نص‌محور است که با اعتقاد به جامعیت قرآن، مکانیسم رسیدن به نظام مطلوب سیاسی اسلام را در بازگشت و فهم مجدد قرآن می‌داند و از همین دیدگاه، به نقد دوگانه «تحرگرایی» و «ایدئولوژی سکولار» می‌پردازد. این تفسیر، معطوف به سیاست و اصلاح اجتماعی است و به نظامی آزاد و عدالت‌محور در جامعه توجه دارد. اهمیت این رویکرد تفسیری، آن است که ما را به سوی شیوه‌ای جدید در حکومت‌داری، تعاملات اجتماعی و روابط بین‌المللی و تعامل بین فرد، جامعه و خداوند رهنمون می‌کند (معرفت، ۱۴۱۹، ۳۲).

برخی از قرآن‌پژوهان گسست از مفسران سابق و توجه به زمان حال انسان مسلمان و جامعه را مورد تأکید قرار داده‌اند. آنها با این نظر که چون قرآن‌پژوهان گذشته به سؤالات زمان خود پاسخ داده‌اند و تکرار آن سؤالات و پاسخ‌ها، نیازهای جامعه امروزین را برطرف نمی‌کند، بلکه به آشفتگی‌ها دامن می‌زند و جلو ابتکار و نواندیشی را می‌گیرد و به نوعی تکرار مکررات است و باعث حیران‌شدن پژوهشگر در دریای بیکران پژوهش‌های گذشتگان می‌شود، به این جهت آشکارا و شفاف، گسست از گذشتگان را اعلام کردند (سنگلجی، ۱۳۶۲، ۴).

شهید محمدباقر صدر ویژگی‌های تفسیر سیاسی را در توجه به واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی و مشکلات جامعه و صورت‌بندی آنها و عرضه آن به

محضر قرآن کریم و پاسخ‌خواهی از آن و نشان‌دادن مسیر جدید برای اصلاح جامعه می‌داند (صدر، ۱۳۶۹، ج ۱، ۵۴).

برخی از مفسران ظرفیت ظاهری و باطنی آیات (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۸۰) را بستری برای برداشت‌های سیاسی می‌دانند و برخی دیگر عنصر جری و تطبیق (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ۱۴۸) را پاسخ‌گویی به نیازهای بشری در دوران مختلف دانسته‌اند.

این نهضت جدید تفسیری بر آن است که آموزه‌های سیاسی دین را در متن زندگی مردم قرار دهد و با آنچه باعث انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان شده بود، مبارزه کند. در حقیقت می‌توان گفت تاریخ تفسیر سیاسی بدون اشاره و ارجاع به نهضت‌های اصلاحی، نمی‌توان تفسیر سیاسی را در چارچوب تاریخی‌اش ملاحظه کرد و از آن بهره‌مند شد. یکی از تفاسیری که مسائل سیاسی به وفور در او یافت می‌شود، تفسیر فی ظلال القرآن سید قطب است که در این مجال به طرح و نقد برخی از دیدگاه‌های سیاسی او در تفسیر یادشده می‌پردازیم.

سید قطب مفسر نام‌آشنای اهل سنت است. اعدام او توسط دوست قدیمی‌اش جمال عبدالناصر و تأثیر آن در دنیای معاصر را نمی‌توان انکار کرد. ترجمه تفسیر و سایر کتب او به فارسی، اهمیت پرداختن به دیدگاه‌هایش را دوچندان می‌کند. از این رو پرداختن به دیدگاه‌های این مفسر و نقد و تحلیل آن می‌تواند دستاوردهای مهمی از منظر تفسیری و مباحث سیاسی داشته باشد.

الگوی روش‌شناختی

در این پژوهش برای رمزگشایی از روش تفسیر سیاسی سید قطب از روش‌شناسی کوئنتین اسکینر استفاده می‌شود. به این منظور در ابتدا هرمنوتیک اسکینر را مختصراً بیان کرده و کاربست آن را در اندیشه سید قطب نسبت به تفسیر سیاسی بحث می‌کنیم.

کوئنتین اسکینر (Quentin Skinner) از استادان دانشگاه کمبریج، به‌طور خاص در حوزه اندیشه سیاسی و تاریخ اروپای مدرن و رنسانس نظریه‌پردازی می‌کند (واعظی، ۱۳۸۰، ۷۲). روش اسکینر در ردیف روش‌های هرمنوتیکی مؤلف محور قرار دارد؛ روش‌هایی که معنای متن را همان قصد و نیت مؤلف می‌دانند و معتقدند که برای رسیدن به معنای متن باید مراد مؤلف آن را درک کرد. روش اسکینر در ردیف روش‌های هرمنوتیکی مؤلف محور قرار دارد؛ روش‌هایی که معنای متن را همان قصد و نیت مؤلف می‌دانند و معتقدند که برای رسیدن به معنای متن باید مراد مؤلف آن را درک کرد (حقیقت، ۱۳۷۸، ۳۵۶).

کوئنتین اسکینر باور دارد که برای فهم یک ایده یا اندیشه، باید سراغ نیت و قصد مؤلف یا اندیشمند رفت و با تمرکز بر باور و قصد او، به فهم معنا نائل آمد. به بیان دیگر کانون معنا، نزد مؤلف یا خالق یک اثر و اندیشه است و برای رمزگشایی و عمل فهم، باید به این نکته التفات نمود که مؤلف یا کارگزار، چه اندیشه و معنایی را از عمل و دیدگاه خود می‌فهمیده است.

بنابراین برای تحلیل اندیشه سیاسی باید زمینه اندیشه بازسازی شود و به شیوه سنتی نگارش تاریخ ایده‌ها که در آن متون بدون توجه به زمینه و با تکیه بر انسجام متن و ادعای حقیقت بررسی می‌شود، انتقاد کرد.

اسکینر، روش خود را در آرای «ماکیاولی» به کار گرفته است. وی در ابتدای کتابی با همین عنوان، اشاره می‌کند که استدلال من این خواهد بود که برای فهم نظریه‌ها و تعالیم ماکیاولی، لازم است محیطی را که آثار او در آن تصنیف شده بازآفرینی کنیم؛ یعنی محیط فکری فلسفه یونان و روم و فلسفه رنسانس و همچنین محیط سیاسی زندگی در دولت‌شهرهای ایتالیا در اوایل سده ۱۶. پس از بازگرداندن ماکیاولی به جهانی که اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته، آنگاه خواهیم توانست کم‌کم حمله فوق‌العاده بدیع و بی‌سابقه او را به اصول مسلم و متداول اخلاق در آن روزگار بدانیم و به ارزش آنها پی ببریم (اسکینر، ۱۳۷۲، ۸۶).

بنابراین، اسکینر برای فهم اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ماکیاولی، به بازسازی زمینه‌های عملی ایدئولوژیک و زبانی وی می‌پردازد؛ از جمله زمینه‌های عملی، به تیپولوژی ماکیاولی، زمینه‌های خانوادگی و تعلقات فکری پدر ماکیاول، به افراد ذی نفوذ و تأثیرگذار به همراه و موشکافی عمیق از اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایتالیای آن روز.

اسکینر در کنار زمینه‌های عملی فوق به زمینه‌های ایدئولوژیک و زبانی نیز توجه خاص مبذول می‌کند. به زعم اسکینر، خوانش متون و اندیشه اشخاص و نظریه‌ها، بدون توجه به این ایدئولوژی‌ها و فضای معنایی و زبانی آن عصر ناممکن است. اسکینر در ادامه کتاب خود، به اندیشه «اومانیسیم» نیز عنایت داشته و باور دارد که این دیدگاه، بر ادبیات و کل آثار ادبی، سیاسی و حقوقی زمان ماکیاول تأثیر گذاشته است. به بیان بهتر، ماکیاول در چنین بستر زمانی و فکری اندیشه‌ورزی کرده و ملهم از این زمینه‌های زبانی و فکری بود. بنابراین از نظر اسکینر، تعامل بین زمینه‌های عملی و زبانی شکل‌دهنده اندیشه ماکیاول و اساساً هر نظریه و اندیشه متفکری است (اسپرینگز، ۱۳۷۰، ۴۶).

او معتقد بود پژوهشگر باید به دنبال این باشد که بداند مؤلف هنگامی که در هنجارهای مرسوم تصرف می‌کند، در حال پیگیری چه انگیزه و هدف سیاسی است. به عبارت دیگر، با قراردادن متن در زمینه عملی (Practical Context) تلاش می‌کنیم بدانیم مؤلف با تغییر در هنجارها و مفاهیم مسلط درصدد چه تغییری در کنش‌های سیاسی عصر خود است. در واقع مؤلف با تصرف در این هنجارهای مرسوم می‌تواند به بازتوصیف جدیدی از کنش‌های سیاسی مطلوبی دست زند که خواه‌ناخواه با شکل‌های مسلط متفاوت خواهد بود. زمینه عملی همان فعالیت سیاسی یا خصیصه‌های مربوط مسئله‌انگیز جامعه‌ای است که مؤلف آن را خطاب قرار می‌دهد و متن پاسخی به آن است (اسکینر، ۱۳۷۲، ۱۷).

جانمایه روش اسکینر این است که برای بررسی و موشکافی متن یا اندیشه افراد، علاوه بر مطالعه آثار و متون هر فرد، باید زمینه‌های اجتماعی و سیاسی

دوره زندگی آن اندیشمند، همچنین جریان‌ها و گرایش‌های فکری و فضای گفتمانی جامعه آن دوره را نیز به دقت مورد بررسی قرار داد.

از نظر اسکینر، پژوهشگر پس از طی این دو مرحله و پاسخ‌دادن به این پرسش‌ها خواهد توانست قصدیت موجود در نوشته یا سخن مؤلف را درک کرده و به فهم بهتر معنای متن نائل آید. با توجه به الگوی روش‌شناختی اسکینر، در ادامه استدلال خواهد شد که برای فهم نظریات تفسیر سیاسی سید قطب باید سه مرحله، بررسی متون و آثار مؤلف، بازآفرینی زمینه و فهم نظریات مؤلف توجه کنیم. توضیح آنکه در نخستین مرحله از هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، با مطالعه متون، تألیفات و حتی سخنرانی‌های سید قطب، او را به دورانی که اندیشه‌های وی شکل گرفته بازگردانیم تا به وضوح مشکلات زمان و مکان او را نظاره‌کننده باشیم و اندیشه او را مورد بررسی قرار دهیم. در مرحله بعد باید تلاش کرد تا بتوانیم به بازآفرینی محیط سیاسی، محیط فکری و حتی بازآفرینی محیط اجتماعی او بپردازیم تا به درستی از میزان تأثیرگذاری زمان و مکان بر اندیشه وی دست یابیم و در آخرین مرحله از روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، باید به نظریه‌ها، تعالیم وی و قصد او دست یازیم. بنابراین فهم اندیشه‌های تفسیر سیاسی سید قطب بر بستر و زمینه‌های یادشده میسر خواهد بود.

سید قطب در مواجهه با بسترها و زمینه‌های دوگانه

الف. زمینه‌های عملی

با عنایت به چارچوب مفهومی که از اسکینر به عاریت گرفته شد، سعی خواهیم کرد اندیشه سید قطب را از منظر هرمنوتیک اسکینر فهم کنیم. بر این اساس در ابتدا، زمینه‌های عملی و عینی و سپس بسترهای نظری و زبانی حاکم بر اندیشه آن دو بازسازی و تبیین می‌شود. زمینه‌های عینی و عملی را که سید قطب در مواجهه با آنها بوده، به اختصار در شش محور می‌توان اشاره کرد.

۱. تأثیر خانواده سیاسی

خانواده دربرگیرنده تمامی افکار، الگوهای احساسی، شناختی و رفتاری و به تبع این موارد تعاملات فردی و اجتماعی است. شخصیت هر انسانی در ابتدای تولد با تأثیر از عوامل وراثتی شکل می‌گیرد و سپس با توجه به محیط خانواده، اجتماع و نحوه آموزش به وی رشد می‌کند. به بیان دیگر، شخصیت هر انسان آن دریچه‌هایی است که فرد به واسطه آنها به محیط خارج از خود -افراد، مسائل شخصی، خانوادگی و اجتماعی- می‌نگرد و متناسب با این نگرش و خلق‌وخوی که توسط همین شخصیت از بدو کودکی شکل گرفته است، عکس‌العمل نشان می‌دهد.

خانواده سید قطب از جمله افرادی بودند که با سیاست آشنا بوده و در فعالیت‌های سیاسی فعالیت داشتند و طبعاً سید با این نوع نگرش از دیرباز بیگانه نبود. حاج ابراهیم، پدر سید قطب، از نظر سیاسی، عضو حزب اللواء مصر و منزلش مرکز امور سیاسی روستا بود. در جریان انقلاب ۱۹۱۹ م/ ۱۲۹۸ هجری شمسی، اجتماعات علنی و سری تشکیلی داد و راه انقلاب را به مردمی آموخت. مادر سید قطب، زنی پاکدامن و از خاندانی بلندمرتبه بود و قبل از ازدواج با حاج ابراهیم در قاهره زندگی می‌کرد. دو نفر از برادرانش در دانشگاه الازهر مصر تدریس می‌کردند و از موقعیت ممتازی برخوردار بودند. از خصوصیات بارز وی این بود که استماع صوت قرآن را بسیار دوست داشت و پسرش سید قطب را به این نیت به مدرسه فرستاد تا قرآن بیاموزد و برای مادر تلاوت کند (مرادی، ۱۳۹۴، ۳۲).

بنابراین سید قطب در چنین خانواده‌ای با مسائل اجتماعی-سیاسی آشنا می‌شود و رفته‌رفته دانش و اطلاعات اجتماعی خود را ارتقا می‌بخشد. برخورداری از خانواده‌ای که شم سیاسی داشتند و او را تشویق به اقدامات اجتماعی می‌کردند، باعث شد سید از همان دوران جوانی در کنار تلاش‌های ادبی، فعالیت سیاسی داشته باشد و در حزب ملی‌گرا و مشروطه‌طلب «وفد» عضو شده و به فعالیت بپردازد (رسول‌نژاد، ۱۳۷۹، ۱۶).

برخی معتقدند فهم درست مشکلات جامعه و اولویت‌بندی و صورت‌بندی آن، به تجربه، علم، فهم و شم سیاسی-اجتماعی نیاز دارد که از هرکسی ساخته نیست و مهارت ویژه می‌خواهد. قرآن‌پژوه باید در عرصه‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و علوم قرآنی مهارت داشته باشد تا بتواند بین معضلات جامعه و قرآن تعامل ایجاد کند. در ایران معاصر، متفکرانی از جمله علامه طباطبایی، مطهری، طالقانی، سیدابوالفضل زنجانی، امام موسی صدر و عبدالکریم موسوی اردبیلی، در مصر محمد عبده، شیخ شلتوت و سید قطب، در لبنان محمدجواد مغنیه، محمدمهدی شمس‌الدین، علامه فضل‌الله و در تونس ابن‌عاشور به چنین توفیقی نائل شده‌اند (خان‌محمدی، ۱۳۹۳، ۳۲).

۲. بحران‌های داخلی جهان اسلام

هرچند اقدامات سیاسی اجتماعی سید قطب برگرفته از روح و ذات تعالیم اجتماعی اسلام و به صورت فعال بود، مواردی را هم می‌توانیم به صورت انفعال از مسائل خارجی مطرح کنیم. برخی از اندیشمندان مسلمان و حتی غربی بر این باورند که حرکت‌های انقلابی برخی افراد از جمله سید قطب ناشی از تغییرات بیرونی و فشارهای محیطی است. بنابراین اینها علاوه بر اینکه بازخیزی اسلام را از ویژگی‌های ذاتی اسلام می‌دانند، از بحران‌های داخلی جهان اسلام هم به عنوان دلیلی بر ایجاد روحیات آزادی‌خواهانه نام می‌برند (میراحمدی و مهربان، ۱۳۸۷، ۱۹۲).

بنابراین شرایط اجتماعی و محیطی و اهمیت هویت‌یابی مسلمانان و رویکرد انتقادی سید قطب و پیدایش دو بلوک کاپیتالیستی و سوسیالیستی و نگرانی از تأثیرپذیری برخی از مسلمانان او را به فکر چاره‌جویی انداخت و اندیشه تغییر و انقلاب جهانی اسلام را در سر پروراند.

از خلال برخی از نوشته‌های سید قطب نگرانی او از بحران‌های جوامع اسلامی کاملاً مشهود است. او برخی از جوامع مسلمانان را متهم به مسامحه در تحقق حاکمیت اسلامی کرده و می‌نویسد: «مشقت بزرگی که امروزه دامن‌گیر

جنبش‌های اسلامی حقیقی شده... وجود اقوامی از نسل مسلمانان است که در سرزمین‌هایی زندگی می‌کنند که روزگاری دارالاسلام بود و دین خدا بر آن حاکمیت داشت، ولی این اقوام حقیقتاً اسلام را رها کرده‌اند و تنها اسم آن را ابراز می‌کنند. این اقوام به لحاظ عقیدتی و واقعی مقولات اسلام را منکرند، هرچند گمان می‌کنند که به لحاظ عقیدتی به اسلام متدین‌اند» (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۷، ۲۳۸).

۳. پیوستن به اخوان المسلمین

سازمان اخوان المسلمین جریانی سلفی است که در ۱۹۲۸ میلادی توسط حسن البنا در اسکندریه مصر تأسیس شد. حسن البنا پیرو اصلاح‌طلب پیش از خود رشید رضا بود که از یک سو تحت تأثیر دیدگاه‌های ابن تیمیه و محمد عبده، تفکر سلفی داشت (فرمانیان، ۱۳۹۶، ۷۶) و از سوی دیگر با تأثیرپذیری از سید جمال‌الدین اسدآبادی در راه وحدت مسلمانان تلاش می‌کرد. (همان، ۱۳۸۹، ۱۴۳).

حسن البنا هسته اولیه اخوان المسلمین را با شش نفر از جوانان پیرو خود تشکیل داد. به‌زودی این جمعیت شعبه‌های متعددی در شهرهای مختلف مصر، فلسطین، سودان، عراق و سوریه پیدا کرد و او بین پیروانش به‌عنوان مرشد عام لقب یافت (عزام، ۱۹۹۰، ۲۷۶).

مهم‌ترین اهداف اخوان المسلمین تأسیس حکومت اسلامی، اصلاحات اجتماعی و مخالفت با استعمار برشمرده شده است (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۷، ۲۷۳). در نسل‌های بعد در جمعیت اخوان المسلمین انشعاب پیدا شد و جمعی از جوانان اسلام‌گرای اخوان با الهام از اندیشه‌های سید قطب که ایجاد نظام اسلامی را ضروری می‌دانست، گروه‌های جهادی تشکیل دادند (همان).

واکنش حسن البناء در برابر بحران به وجود آمده در جهان اسلام (الغای خلافت)، طرفداری از بازگشت به بنیادهای اسلام، یعنی دعوت به سلفیه بود. دعوت البنا بازتاب مستقیم جنبش‌های تجدید حیات طلبانه قبلی بود.

حسن البناء را بیش از هر فرد دیگر، می‌توان تجسم تجدید حیات تفکر سلف سنی قرن بیستم دانست. گرچه جنبش البنا فاقد عمق فلسفی جنبش سلفیه بود، اما موفق شد آن چنان حمایت توده‌ای را سازماندهی کند که هیچ جنبش اسلامی دیگری در قرون اخیر قادر به انجام آن نبود. البنا علاقه چندانی به مسائل پیچیده ایدئولوژیک نداشت. وی برای ترویج ایدئولوژی اخوان، به قرآن و شش کتاب معتبر حدیث (صحاح سته) تکیه می‌کرد. به علاوه، وی به افکار و اقدامات دیگر شارحان پیشگام سلفی‌گری، از جمله احمد بن حنبل، ابن حزم، ابن تیمیه، نووی و دیگر نظریه‌پردازان تاسی می‌جست (اسحاق الحسینی، ۱۳۷۵، ۵۹).

از دل تفکرات اعتدالی و تقریبی اخوان المسلمین، گرایش افراطی هجرت و جهاد سید قطب بیرون آمد. سید قطب رهبر معنوی اخوان المسلمین، در زندان تندرو شد و حلقه ارتباطی میان اخوان المسلمین و گرایش‌های افراطی شد.

در واقع، سید قطب به عنوان یک ایدئولوگ مبارز، رهبری تبدیل سلفی‌گری اعتدالی اخوان المسلمین به افراط‌گرایی دهه ۱۹۷۰ را به عهده داشت. نقش و نفوذ محوری سید قطب بر مبارزات جدید از سه ویژگی برخوردار بود:

۱. سید قطب به عنوان یک نظریه‌پرداز تأثیر نیرومندی بر نوزایی و جهت‌گیری جدید ایدئولوژی اسلامی داشت؛

۲. قطب به عنوان عضو برجسته اخوان المسلمین کهن، تداوم سازمانی میان اخوان و شاخه‌های انقلابی آن را فراهم می‌کرد؛

۳. سرپیچی سید قطب، به عنوان یک عنصر فعال، از دولت و مرگ او باعث شد تا مبارزان جوان‌تر شیوه شهادت را از او بیاموزند.

سید قطب واقعیت اجتماعی را تضاد دائمی میان راه اسلامی و جاهلیت می‌داند. قواعد و پایه‌های اصول ایدئولوژیک او را می‌توان چنین خلاصه کرد: یک سیستم اجتماعی-سیاسی مسلط بر جهان اسلام، سیستم جاهلیت آمیخته با گناهکاری، بی‌عدالتی، رنج و انکار ارشاد الهی اسلامی است (سید قطب، ۱۴۱۰، ۱۰).

سید قطب و همفکران اخوانی او منشوری برای احیای تفکر اسلامی طراحی کردند که مهم‌ترین اصول آن عبارت‌اند از:

۱. وظیفه مسلمانان با ایمان این است که برای تبدیل جامعه جاهلی از طریق دعوت و جهاد پیکارجویانه، به تجدید حیات اسلام دست‌زدند.

۲. این تبدیل جامعه جاهلی به جامعه راستین اسلامی، به عهده مسلمانان پیشتاز فداکار است.

۳. هدف نهایی مسلمانان متعهد باید استقرار حاکمیت خداوند در روی زمین باشد تا به این وسیله تمام گناهان، رنج‌ها و فشارها رفع شود (همان، ۶۶).

دقت در عبارات فوق نشانگر بن‌مایه‌های تفکر سلفیه جهادی است که بعد از حیات سید قطب همچنان به راه خود ادامه داد و این روزها جامعه جهانی را تحت تأثیر قرار داده است.

سید ماجراجو و انقلابی در سال ۱۹۵۳، رسماً به اخوان‌المسلمین پیوست و در پی تیره شدن روابط اخوان‌المسلمین و رهبران انقلاب مصر در سال ۱۹۵۴، به همراه بسیاری از دیگر اخوانی‌ها به زندان افتاد (رسول‌نژاد، ۱۳۸۰، ۲۳).

۴. تأثیر فکری جریان المنار

علاوه بر اندیشه‌های حسن‌البناء، سید قطب از اندیشه‌های متفکرین اصلاح‌طلبی همچون محمد عبده و رشید رضا بخصوص در موضوعاتی مثل

احیای تمدن و حکومت اسلامی تأثیر پذیرفت از دیگر عوامل تأثیرگذار بر معرفت اجتماعی سید قطب محسوب می‌شود، هم برخوردار بود.

سید به پیروی از اندیشه‌های رشید رضا، دغدغه احیای تمدن و حکومت اسلامی داشت و برخلاف عده‌ای که از طریق ملی‌گرایی می‌خواستند به احیای تمدن اسلامی تحقق ببخشند، با رویکرد بازگشت به اسلام مباحث پیرامون حکومت و تمدن اسلامی را سامان دادند.

جریان المنار تفکرات انقلابی و سخت‌گیرانه‌ای را سید قطب ایجاد کرد به طوری که سرزمین غیرمسلمانان را دارالحرب نامید و این‌گونه ابراز کرد که:

تنها یک دارالاسلام هست و آن همان است که دولتی اسلامی در آن برپا و شریعت خدا بر آن حاکم است و حدود خدا اقامه می‌شود و مسلمانان یار و دوست یکدیگرند. جز این هرچه هست دارالحرب است و رابطه مسلمانان با آن یا جنگ و پیکار است یا صلح بر مبنای پیمان امان (سید قطب، ۱۴۱۰، ۱۳۵).

جریان المنار تأثیر زیادی بر افکار سید قطب و ایجاد گرایش افراطی‌گری او گذاشت. به‌ویژه این نوع تأثیر را در کتاب معالم فی الطریق که نوشته پایانی و مانیفست سیاسی او است، بیشتر مشاهده می‌کنیم. در این کتاب که سند اعدام او محسوب می‌شود، به‌طور کلی هرگونه قرابتی را بین دین و تمدن به چالش می‌کشد و تمدن بشری را بلاپی می‌داند که باید آن را از بین برد (همان، ۱۳۷). این نگاه رادیکالی او باعث انتقاد عده‌ای از دانشوران مصری گردید به طوری که در رد این اندیشه گفته‌اند:

«این تصویر دوقطبی و دوگانه که سید قطب عرضه می‌کند تنها طرف الهی را لحاظ می‌کند، به‌ویژه زمانی که با گسترش افراطی به «برپایی ملک و مملکت خدا» فرامی‌خواند. این به معنای حذف ارزش فکری انسان و نشانیدن خدا به جای انسان است. این نگرش، خدا و انسان و لاهوت و ناسوت را دو طرف نزاعی تاریخی قرار داده است و این با آیین تعارض دارد و گذشته از آن، این

حقیقت بدیهی را فراموش کرده که «حکومت خدا» بدون وجود بشر امکان تحقق ندارد و این انسان‌ها آیا در حقیقت حاکمیت الهی و به تعبیر دیگر در تفسیر آیات و احادیث و نیز روش اجرا و عملی کردن آن اختلاف نظر ندارند؟ آیا چنین اختلاف نظری در طول تاریخ اسلام و حتی امروزه پدید نیامده و نمی‌آید؟ آیا نوع و روش حکومت از یک حاکم اسلامی تا حاکم اسلامی دیگر متفاوت نیست؟ آیا جز این است که هرکدام از آن دو به رغم تفاوت روش و منششان به نام اراده و شریعت خدا حکومت می‌کنند؟» (محمد امین، ۱۹۸۶، ۲۶۲).

۵. تأثیر جریان سلفی معاصر

شکل‌گیری جریانات سلفی در جهان اسلام منشأ اتفاقات متعددی بوده است. هر یک از این جریانات با تأثیرپذیری از افکار ابن تیمیه حرانی، تغییرات فراوانی را در عقاید مسلمین به وجود آوردند. این سلسله از وهابیت تکفیری که تمام مذاهب اسلامی را کافر و مشرک قلمداد می‌کنند تا نسخه‌های جدید سلفی‌گری که ترکیبی از قدرت‌طلبی و تکفیر مسلمین بوده و در القاعده، داعش و... تبلور یافته، خسارت‌های مادی و معنوی زیادی را بر پیکره اسلام وارد کرده‌اند که تا سال‌ها دامن‌گیر کشورهای اسلامی خواهد بود.

سَلَف به معنای پیشینیان است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۵۸). سَلَفِیهِ گروهی هستند که ادعای تبعیت از «سَلَفِ مسلمانان» را دارند. در اینکه منظور از سلف چه کسانی هستند، اختلافاتی در بین آنان وجود دارد، اما بیشترشان منظور از «سلف صالح» را شخصیت‌های سه قرن نخستین اسلامی (پیامبر اسلام(ص)، صحابه، تابعین و تابعین تابعین) می‌دانند. استناد آنها در این زمینه به «حدیث قرون نخستین» است که آن را از پیامبر اسلام(ص) نقل می‌کنند: «بهترین مردم (مردمان) قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند (علیزاده، ۱۳۹۳، ۳۲). سَلَفِیهِ راه‌حل مشکلات مسلمانان را پیروی از شیوه سَلَفِ (مسلمانان متقدم) می‌داند. به باور سلفیان، قرآن و سنت پیامبر تنها با تفسیر صحابه، تابعین و تابعین تابعین معتبر است. آنها عقل را حجت نمی‌دانند و

برای فهم آموزه‌های دینی تنها بر آیات قرآن و احادیث تکیه می‌کنند. سلفیه آنچه را مخالف با گفتار یکی از صحابه پیامبر باشد، بدعت می‌دانند» (ابن قیم، ۱۴۱۱، ۱۱۵).

این روزها بر پایه اعتقادات سلفیه، گروه‌های جهادی و تندرویی همچون طالبان، القاعده و داعش شکل گرفته که بسیاری از مسلمانان را کافر و جهاد با آنان را وظیفه خود می‌دانند و عده زیادی از مسلمانان شیعه و اهل تسنن را قتل عام کرده‌اند.

سید قطب علاوه بر تأثیرپذیری از رویکرد سلفی معاصر، علقه‌های معرفتی آشکاری به ابن تیمیه داشت. وی در کتاب «آینده در قلمرو اسلام» بیان کرده است از آنجایی که ابن تیمیه، الهام‌بخش جریان‌های جهادی نظیر «سلسله ممالیک مصر»، عقیده اسلامی و رهبر روحی و معنوی آن بوده است، باید او را به عنوان یک رهبر در امر جهادی مورد توجه قرار داد (سیدقطب، ۲۰۵، ۱۳۴۵).

۶. زندانی شدن

سید قطب قطب انسان دردمندی بود و درد انسان‌های زجرکشیده و تضعیف‌شده را احساس کرده و خود را شریک آلام و مصائب آنان می‌دانست و برای آگاهی انسان‌ها تلاش کرد و کوشید تا به زعم خود آنها را از ورطه جهل و نادانی رهایی بخشد تا وظیفه‌ای که بر عهده دارد، ادا کند. این روحیه انقلابی و زبان سرخ او بر حاکمان و تمامیت خواهان مصری گران آمد و او را در بند کشیدند. اما زندان و شکنجه‌هایی که در آنجا بر این زندانیان اعمال می‌شد، تحول بزرگی در حرکت اسلامی مصر پدید آورد. بدین معنا که موجب تندتر شدن مواضع گروه بزرگی از اسلام‌گرایان و رواج دیدگاه‌های تکفیری در میان آنان شد که (درست یا نادرست) به سید قطب نسبت داده می‌شد (مورو، بی تا ۶۹).

با توجه به دیدگاه‌هایی که سید قطب در زندان رواج داد، می‌توان زندانی شدن وی را آغاز مرحله‌ای جدید در زندگی‌اش قلمداد کرد. او تا سال ۱۹۶۴ در

زندان ماند و در آنجا به نشر اندیشه‌هایی پرداخت که مطابق آنها مسلمانان کنونی مسلمان واقعی محسوب نمی‌شوند و تا زمانی که حکومت اسلامی برپا نکنند، در وضعیت جاهلی به شمار می‌روند. او در زندان جماعتی را بر اساس همین اندیشه تأسیس کرد و پس از آزادی به هدایت این جماعت ادامه داد (همان، ۷۰).

بررسی‌کنندگان تحول فکری سید قطب معتقدند تدروی او پس از سال ۱۹۵۲ آشکار شد. و در واقع ایده «حاکمیت و جاهلیت» در اندیشه سیاسی سید قطب محصول رنج و آزار دوران زندان است. وی در همین دوره عضو اخوان المسلمین شد، اما تا سال ۱۹۵۴ که همراه هزاران تن از شخصیت‌های اخوان المسلمین برای نخستین بار وارد زندان شد، چیزی درباره حاکمیت و جاهلیت ننوشت. وی در زندان به نگارش تفسیر فی ظلال القرآن پرداخت و در این تفسیر برای نخستین بار ایده حاکمیت و جاهلیت را مطرح کرد (عبدالفتاح، ۱۴۱۴، ۲۰).

بی‌گمان زندگی در زندان، سخت و طاقت‌فرساست، به‌ویژه برای کسی که مورد ستم واقع شده و در آنجا تحت شکنجه و آزار قرار گیرد! اما سید قطب خوب می‌دانست چگونه از عمر خود در زندان استفاده کند و آن را در خدمت تقویت ایمان و دانش خود قرار دهد. او زندگی در زندان را به «خلوت» با قرآن تبدیل کرد و در این خلوت، به تدبیر و تأمل در این کتاب آسمانی پرداخت. بر فهم معانی آن همت گماشت و در سایه آن آرمید و از نعمت زندگی با قرآن بهره‌مند گشت.

زندان باعث شد که سید به قرآن نزدیک‌تر شود، چنانچه در تفسیر فی ظلال می‌نویسد: «زندگی در سایه قرآن نعمتی بزرگ است، نعمتی که تنها راه درک آن، تجربه کردن آن است. نعمتی که به عمر، ارزش و برکت می‌بخشد و آن را پالوده و پاکیزه می‌کند.

و خدا را شکر که بر من منت نهاد مدتی در سایه قرآن زندگی کنم، در آن مدت نعمت‌هایی از قرآن چشیدم که هیچ‌گاه در عمرم احساس نکرده بودم و همین

نعمتی را که به عمر ارزش و برکت می‌بخشد و آن را پاکیزه می‌نماید هم در آن مدت چشیدم...» (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۱، ۱۲).

گرچه او اجباراً با قرآن در زندان مونس و همدم شد ولی این مصاحبت او را با دنیایی از معارف قرآنی آشنا کرد و آستین همت بالا زد و به تفسیر آیات قرآن با رویکردی سیاسی اجتماعی پرداخت و از این به بعد است که دیگر مرارت و سختی‌های زندان به کلی فراموش می‌شود و این جنین از فرصت به دست آمده اغتنام می‌جوید.

«بعد از همراهی و هم‌نشینی طولانی با قرآن و همدلی و همگرایی طولانی بر اساس ویژگی‌ها، روش‌ها و رویکردهای قرآن‌پسندانه با بند بند آیات آن، دوباره به تلقی، زندگی و تعامل با این کتاب آسمانی پرداختم!

بر اثر این همدلی روشمند، به سبب تنوع الگوها در سوره‌های قرآن به آرامش می‌رسیدم، به سبب همگرایی شخصی عمیق، احساس انس و آسایش و به سبب ناهمگونی ویژگی‌ها، رویکردها و مطلع‌ها احساس کامیابی درونی می‌کردم.

همه آن عبارات و آیات با من دوست بودند... همه صمیمی... همه همراز... همه محبوب و همه کام‌بخش و امیدبخش...! قلب در نزد همه آنها به انواع فعالیت‌های دلنشین، انواع کامیابی‌های جدید، انواع آهنگ‌ها و تمتعات روح‌پرور و عاطفه نواز دست میافت که آن را از لذتی خاص و فضایی بی‌نظیر بهره‌مند می‌کردند.

همدلی و هم‌رازی با یک سوره از آغاز تا پایان آن درست همچون رفتن به یک سفر است... سفری در عوالم و مناظر گوناگون، در میان رؤیاها و حقایق، در میان انواع گزارش‌ها و الهامات! و همچون فرورفتن در ژرفای جان‌ها و کشف جلوه‌های هستی...» (همان، ۱۳).

در تفسیر آیه: «إِذْ يُعَشِّيْكُمْ النُّعَاسَ أَمَّنَهُ مِنْهُ وَ يُرِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهَّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يَنْبِتَ بِهِ

الْأَقْدَامُ»^۱ (انفال/۱۱) ضمن اینکه می‌گوید با اراده و امداد الهی، در برابر دشمن مسلح و انبوه هم می‌توان آرامش داشته و آرام خوابید به خوابی این‌چنینی که در زندان برایش اتفاق افتاد می‌گوید: «این آیات را مرور می‌کردم و اخبار این خواب آرام را می‌خواندم و آن را همچون حادثه‌ای تلقی می‌کردم که عملاً رخ داده و سرّ آن، فقط نزد خداست و او خبر چنین رخدادی را برایمان بازگو می‌کند.

بعدها یک بار در میان سختی و تنگنا افتادم و به هنگام غروب، لحظاتی احساس نوعی بن‌بست نامعلوم و دلهره هراس‌آور بر درونم سایه افکند... اما ناگهان به مدت چند دقیقه خوابی آرام مرا فراگرفت... و بیدار شدم درحالی که به انسانی جدید غیر از انسان قبلی تبدیل شده بودم: کاملاً آسوده، با قلبی آرام و غرق در میان آرامش یقینی و عمیق... این اتفاق چگونه رخ داده بود؟! نمی‌دانم! اما بعد از این ماجرا بود که داستان بدر و احد را لمس و درک کردم...» (همان، ج ۲، ۱۴).

این بود مختصری از علل و عواملی که در ترسیم شخصیت سیاسی اجتماعی سید قطب می‌توانست مؤثر باشد. مطالعه شخصیت او از آنجا مهم است که از طریق شناخت آن می‌توان به صورت علمی، اندیشه‌ها و گرایش‌ها او را در آثارش جست‌وجو کرد. این عوامل شش‌گانه باعث شده که رفتاری خاص در او رشد و ظهور کند و در ادامه زندگی همراه او باشد و شاکله‌ای را برای او رقم زند که به صورت مجموعه‌ای سازمان‌یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم و متمایز از دیگران بیانجامد. اما در بین این عوامل ۹ گانه که برخی درونی و برخی برونی هستند، کدام عامل تأثیر بیشتری در تکوین و رشد اندیشه‌های سیاسی اجتماعی او داشته، با توجه به روحیات سید قطب به نظر می‌رسد مورد دوم و سوم یعنی آموزه‌های سیاسی اجتماعی اسلام و هستی‌شناسی توحیدی رجحان داشته باشد؛ چراکه این سرمایه

۱ - (یاد آرید) هنگامی که خواب راحت را بر شما فرو پوشاند برای اینکه از جانب او ایمنی یابید و از آسمان آبی می‌فرستاد که شما را به آن آب پاک گرداند و وسوسه و کنید شیطان را از شما دور سازد و دل‌های شما را محکم و استوار گرداند و گام‌های شما را استوار بدارد.

معنوی و بن‌مایه اسلامی به‌مثابه موتور محرک او باعث شده که سایر اقدامات را انجام دهد.

ب) زمینه‌های زبانی و ایدئولوژیک

زمینه‌های زبانی و ایدئولوژیک را که سید قطب تحت تأثیر آنها به روش تفسیر سیاسی متمایل گشته را می‌توان در شش محور اساسی خلاصه کرد:

۱. حاکمیت دینی

سید قطب، اسلام را فراتر از یک سری برنامه‌های عبادی و شخصی می‌دید. او به اسلام اجتماعی که در همه عرصه‌های نیازهای بشری رهنمود و برنامه دارد معتقد بود و سعی داشت که ذهنیت مسلمانان را از این اشتباه خارج نماید. او قویاً معتقد بود که اسلام اگر بخواهد نقش محوری خود را در این زمینه ایفا کند و عامل نجات شود، باید حکومت کند (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۴، ۱۲۳). او با شجاعت مثال‌زدنی در آن جو اختناق ناصری می‌گفت: اگر موفق شویم حاکمیتی بر اساس ارزش‌های اسلام واقعی بنیان نهیم، نحوه حکومت‌داری اسلام دل‌ها را بوی خود جذب خواهد کرد» (همان، ۱۴۱۰، ۴۸).

سید معتقد بود که تمامی لوازم یک زندگی سیاسی سعادت‌مندانه، به صورت مقرراتی متین و محکم، پیوسته و غیرقابل انفکاک، در برنامه دین اسلام گنجانیده شده (همان) و این دین تمامی جنبه‌های زندگی بشری را در بر گرفته است. اما یا از روی جهالت مردم یا از روی عداوت، این عقیده نتوانسته است در عرصه سیاسی و بین‌المللی به‌طور کامل خود را نشان داده و به منصفه ظهور برساند (همان، ۴۹).

سید قطب ولایت والیان امر را در طول ولایت خداوند متعال و پیامبر(ص) دانسته است (قطب، ۱۳۹۷، ج ۲، ۴۲). این در حالی است که برخلاف دیدگاه سید قطب و بر اساس تفکر شیعی هر حاکمی در طول حاکمیت الهی قرار ندارد. بعد از پیامبر اکرم سزاوارترین فرد برای حکومت امامان معصوم

هستند. در زمان غیبت امام زمان هم حاکمیت باید به فقهای جامع‌الشرایط که دارای ویژگی‌هایی همچون، اجتهاد، مدیریت، حسن تدبیر و آگاه به شرایط زمانه است، تفویض گردد (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۵، ۳۴).

از نظر سید حاکمیت اسلامی بر سه محور مبتنی است، عدالت حاکمان، اطاعت افراد و رایزنی میان حاکمان و مردم. در این راستا فرمانروا قادر است قوانینی را که برای مردم مفید است و مشکلات آنها را حل و فصل می‌کند در نظر بگیرد. نکته مهم و قابل مناقشه او این است که اطاعت از این فرمانروا به دلیل تلاشش برای شریعت لازم است. البته مشروط بر اینکه از جاده انصاف و شریعت منحرف نگردد (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۵، ۳۲۱). این در حالی است که بر اساس باورهای تشیع، در عصر غیبت، مسلمانان طبق سیره پیامبر اکرم(ص) باید بر اساس شاخصه‌های قرآنی، حاکمی را انتخاب کنند (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۴، ۶۵).

سید قطب در تفسیر این کلام الهی که فرمود «فَإِنْ تَنَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» (نساء/۵۹) بیان می‌کند که معنای آیه این است که حاکم می‌تواند هرچه را درباره آن نصی از کتاب و سنت وجود ندارد، بر مانند آنکه دارای نص از کتاب و سنت است، قیاس کند^۱ (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۲، ۶۹۰)؛ چیزی که مورد اعتراض شدید فقهای شیعه قرار دارد.

این در حالی است که سید قطب بر اساس نگرش اهل سنت به تئوری خلافت اعتقاد داشت و با برداشت‌های شخصی و ذوقی خود آن را بازتعریف کرد و آن را در بین شاگردان و همفکرانش بخصوص در جمعیت اخوان المسلمین تفسیر و تحلیل کرد.

حاکمیت دینی مدنظر سید قطب بر اساس محور ولایت و راهبردهای اهل بیت نیست. اصولاً نگاه سید به اهل بیت با نگاه شیعی دارای زاویه زیادی است. برای مثال آیاتی را که عموماً و من جمله مفسران شیعه در شأن امام علی علیه‌السلام به حساب می‌آورند، طور دیگری تفسیر می‌کند. در تفسیر

۱ - و الرجوع إليه فيما لم ينص عليه نصاً، من جزئیات

آیه، وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (بقره/۲۰۷) می نویسد: «این آیه درباره صهییب رومی نازل شده است» (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۱، ۳۲۱).

این در حالی است که امام محمدباقر علیه السلام نقل می کند که: این آیه درباره امام علی مرتضی علیه السلام نازل شده، هنگامی که در بستر پیامبر به جای او خوابید، وقتی که قریش قصد کشتن پیامبر را داشتند، در این هنگام رسول خدا شبانه از خانه خویش بیرون آمده و فرار کرد (مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۱، ۵۴۱).

با اینکه برخی مفسرین اهل سنت مثل میدی و ثعلبی هم نقل می کنند که گفته اند موضوع نزول آیه را درباره امام مرتضی علیه السلام است (همان).

همچنین به عقیده علمای شیعه آیه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلاَنِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۲۷۴)^۱

در شأن امام علی مرتضی علیه السلام نازل گردیده که چهار درهم داشت و آن را به این کیفیت یعنی در شب و در روز و در پنهان و در آشکارا انفاق و بخشش کرده بود. چنان که از امامین باقر و صادق علیهما السلام نیز روایت شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۵۱۲). این در حالی است که سید قطب از آیه یاد شده چنین برداشتی ندارد.

۲. جامعه جاهلی

عبارت جامعه جاهلی از اصطلاحات پرکاربرد ایشان است. ابوالاعلی مودودی از متفکران و اندیشمندان شبه قاره هند، نخستین بار در کتاب مصطلحات الاربعه (اصطلاحات چهارگانه قرآن) این موضوع را مطرح ساخت و سید از

۱ - کسانی که مال خود را در شب و روز انفاق کنند پنهان و آشکارا، آنان را نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهد بود و هرگز (از حادثه آینده) بیمناک و (از امور گذشته) اندوهگین نخواهند گشت.

او اقتباس نمود. آنها می‌گفتند: تمام جهان در جاهلیتی همانند جاهلیت پیش از اسلام و بلکه وحشتناک‌تر از آن گرفتار است؛ هرچه در پیرامون ایشان است، همه جاهلیت است و برای اجرای برنامه حرکت اسلامی باید خود را از تمام عوامل جاهلی مؤثر بر زندگی رهانید. حتی سید قطب معتقد بود، جامعه‌ای که افراد آن مسلمان باشند و نماز، روزه و حج به‌جا آورند، اما شریعت خدا به عنوان قانون در آنجا حاکم نباشد، جامعه اسلامی نخواهد بود و جامعه جاهلی محسوب می‌شود. ضمناً وی معتقد بود، کلیه دستاوردهای قدیم و جدید فلسفه، تاریخ، روانشناسی، ادیان تطبیقی و نظام‌های اجتماعی در قلمرو اندیشه جاهلی قرار می‌گیرد (مودودی، ۱۳۸۹، ۴۸؛ سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۶، ۳۲۹).

به اعتقاد او، علت جاهلیت تمام جهان تجاوز به فرمانروایی خداوند در زمین و نیز تجاوز به مهم‌ترین ویژگی حاکمیت، یعنی الوهیت است؛ چراکه به جای حاکمیت الله، حاکمیت را به بشر واگذار کرده‌اند و عده‌ای از آنها معبود عده‌ای دیگر شده‌اند؛ درحالی‌که هیچ حاکمیتی جز حاکمیت خدا و هیچ شریعتی جز شریعت خدا مورد قبول نیست (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۶، ۳۲۹).

وی این اصطلاح را از زمان قبل از اسلام گرفت و به همه زمان‌ها تعمیم و تسری داد. جاهلیت از دیدگاه سید قطب، نوعی دورشدن از اسلام بود و جاهلیت تنها مربوط به بحث‌های تاریخ اسلام خلاصه نمی‌شود. جاهلیت یک نوه فرهنگ و تفکر واپس‌گرایی است که در هر زمان و مکان می‌تواند ظهور و بروز یابد. از نظر او جامعه جاهلی یعنی مردمی که خالصانه با خداوند متعال رفتار نمی‌کنند و صادقانه به اوامر و نواهی او تمکین نمی‌نمایند. آنها فقط به منافع شخصی و گروهی خود می‌اندیشند و تمام تلاش خود را در راستای چنگ یازیدن به منافع بیشتر دنیوی صرف می‌نمایند و به حضور خداوند در جامعه و استقرار راهبردهای وحیانی نمی‌اندیشند. با این حساب تعداد قابل توجهی از مردم دنیا در دایره جامعه جاهلی قرار می‌گیرند و وظیفه مسلمانان واقعی و مسئولیت اجتماعی آنها بیشتر می‌شود و باید با کمال جدید به استقرار تفکر ناب اسلامی بپردازند (سید قطب، ۱۴۱۰، ۹۰).

وی در جای دیگر و در تفسیر سوره عبس اظهار می‌دارد که متأسفانه در سرزمین‌های اسلامی جاهلیت نخستین حاکم است، جاهلیتی که اسلام آمد تا آن را از لجنزار برگیرد و بلندش گرداند و آرزو می‌کند که روزی امت اسلامی از جاهلیت نجات یابند و بر دست‌های آن تولد جدید بشریت را به وجود آورند (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۶، ۳۸۲۲). از دیدگاه سید قطب، اسلام جز دو نوع از جوامع را نمی‌شناسد: جامعه اسلامی و جامعه جاهلی.

در نمونه اول، اسلام به معنای واقعی و با جامعیت آن در حوزه‌های مختلف تحقق می‌یابد. در این جامعه قانون اسلامی پیاده می‌شود و دستورات سازنده آن اجرا می‌گردد و مهم‌تر از همه عبودیت الهی مستقر می‌گردد و دیگران هم می‌توانند از آثار و برکات آن بهره‌مند گردند و کشورهای اسلامی آباد و آزاد می‌شوند (همان، ج ۴، ۴۱۱).

مهم‌ترین نکته‌ای که سید قطب در جامعه اسلامی ناب روی آن تأکید دارد، تقویت هرچه بیشتر بنیه اعتقادی افراد است. از نظر او عقیده صحیح و درست راه پیشرفت و موفقیت در عرصه‌های دیگر را هموار می‌سازد. از نظر او مسلمان بودن به داشتن اسم و شناسنامه اسلامی نیست بلکه اسلامی بودن یعنی برخورداری از فکر صحیح اسلامی بر اساس قرآن و سنت و مهم‌تر از آن اصرار و مجاهده در راستای پیاده کردن قوانین اسلامی در کشور است تا قانون اساسی و همه برنامه‌های جامعه بر اساس اسلام باشد. در نمونه دوم هم جامعه کلاً از مبانی اسلام راستین و عبودیت خالصانه الهی فاصله دارند، چه اسم اسلامی را یدک بکشند و یا به اسلام اعتقادی نداشته باشند (همان، ۴۱۲).

سید قطب در کتاب معالم فی الطريق با اشاره به نمونه تاریخی جاهلیت می‌گوید: «وضعیت فعلی مسلمانان با وضعیت جاهلیت قبل از اسلام تفاوتی ندارد. در هر دو حاکمیت اسلامی حضور ندارد. افکار و اعتقادات و سبک زندگی و نحوه تعاملات افراد و اخلاق و شیوه دادرسی همان است که قبلاً

بود یعنی منفک از تعالیم اصیل الهی و در برخی زمینه‌های حتی بدتر از جاهلیت.

پس به ناچار می‌باید از زیر فشار این جامعه جاهلی و تصورات و تقالید و رهبری جاهلی رهایی یافت... و خصوصاً در درون خودمان ... وظیفه ما این نیست که با واقعیت این جامعه جاهلی به صحبت بنشینیم و دوستی‌اش را بپذیریم؛ چراکه او با این صفتش، صفت جاهلی، غیر قابل گفت‌وگو است. ما موظفیم که حرکتی و دگرگونی در درون داشته باشیم تا بتوانیم تحولی در برون به وجود آوریم و به دنبال آن جامعه بتواند به سوی رشد و پیشرفت واقعی حرکت کند و از اسارت طاغوت‌ها رهایی یابد. وظیفه نخستین، دگرگون کردن واقعیت این جامعه است. وظیفه ما دگرگون کردن بنیاد این واقعیت جاهلی است. این واقعیتی است که از اساس در برابر راه و روش اسلامی قرار گرفته و با جبر و فشار مانع از آن بود که بر مبنای آنچه خداوند از ما خواسته زندگی کنیم» (سید قطب، ۱۴۱۰، ۱۷).

وی با تقسیم جوامع به جامعه جاهلی و جامعه اسلامی می‌گوید: «اسلام بیش از دو نوع جامعه را سراغ ندارد. اسلامی و جاهلی. جامعه اسلامی معتقد به اسلامی که در منظومه آن ابعاد مختلف اسلام فرصت ظهور و تحقق پیدا کرده‌اند و قوانین و مقررات اسلامی بر جامعه حاکم است و مسلمانان در پرتو قرآن مجید به سیادت و آقایی رسیده‌اند و تحت استثمار و زیر یوغ ظالمان و ستمکاران قرار ندارند.

برخلاف اینها در جامعه جاهلی خبری از تعالیم سازنده اسلامی نیست و مسلمانان سر در جیب خود کرده‌اند و به عبادات شخصی خود مشغول‌اند و به حج می‌روند و به سرنوشت اندوه‌بار و فلاکت‌بار مسلمانان نمی‌اندیشند و نمی‌دانند که از چه سرمایه بزرگی برخوردار هستند. آنها مرعوب تمدن خیره‌کننده و اغواگر غرب شده‌اند و روزی‌روز از آرمان‌های اسلامی خود فاصله می‌گیرند. (همان) از نظر او جامعه جاهلی فقط سوسیالیست‌ها و کاپیتالیست‌ها نیستند، جامعه‌ای هم که دم از خدا می‌زند ولی در همه شئون جامعه قانون الهی را پیاده نمی‌کند جامعه جاهلی است «جامعه

جاهلی ممکن است شکل‌های گوناگون داشته باشد. ممکن است جامعه‌ای باشد که خدا را انکار کند و به تفسیر مادی و دیالکتیکی تاریخ پردازد و آنچه را خود «سوسیالیسم علمی» می‌نامد به‌عنوان نظام اجتماعی تحقق بخشد. همچنان که ممکن است جامعه‌ای باشد که خدا را انکار نمی‌کند، اما تنها آسمان‌ها را به او اختصاص داده و از زمین محروم می‌کند. نه به قوانینش گردن می‌نهد و نه به ارزش‌های ثابتش. به مردم اجازه می‌دهد خداوند را در صومعه و کلیسا و مساجد عبادت کنند، اما بدان‌ها اجازه نمی‌دهد که حاکمیت قوانین دینی را در جهات مادی خود بطلند و به این ترتیب الوهیت خدا را انکار می‌کند یا آن را معطل می‌گذارد. حال آن‌که قرآن بدان تصریح دارد: اوست کسی که در آسمان معبود است و در زمین معبود است» لذا جامعه‌ای این چنین در دین خدا نیست چراکه خدا می‌فرماید: «فرمان داده که جز او را نپرستید. این است دین قیّم و استوار.» و چنین جامعه‌ای جاهلی خواهد بود هرچند خدا را بپذیرد... جامعه اسلامی تنها جامعه مترقی است و جوامع جاهلی، جاهلیت در شکل‌های مختلفش، جامعه‌هایی عقب مانده‌اند. می‌باید این حقیقت بزرگ روشن شود» (همان، ۱۰۶، ۱۰۵).

طرح تئوری جامعه جاهلی گرچه به مذاق انقلابیون و جوانان حماسی خوشایند بود و روح انقلابی آن را تسخیر می‌کرد ولی اندیشمندان و حتی برخی از همفکرانش را نتوانست قانع کند. این بود که عموم منتقدان مسلمان از این که او جامعه مسلمانان را جامعه‌ای جاهلی نامیده و آن را مانند دارالحرب دانسته، انتقاد کرده‌اند. و نمی‌خواستند چیزی فراتر از قرائت قرآنی و روایی جاهلیت داشته باشند. یک نظر خوشبینانه آن است که مخالفان و منتقدان او وضعیتی را که او همفکرانش داشتند را درک نمی‌کردند. سید قطب اصولاً شخص متعهد و دردمندی بود که اصلاحات سیاسی و تغییر ساختارهای سنتی جامعه را مطرح نظر داشت و بعید نیست که برای به جنبش درآوردن خیل عظیم افکار عمومی باید به خلق واژگان و تعابیر حماسی روی آورد و طرح جامعه جاهلی در همین راستاست.

از مهم‌ترین و نخستین انتقادکنندگان رئیس کمیسیون فتوای الازهر، شیخ سبکی است که می‌گوید: «توصیف هر دوره‌ای به‌جز دوره نزدیک به عصر

پیامبر به عنوان دوره جاهلی، عمل کفرآمیزی است» و نیز گفت «اگرچه در نگاه اول کتاب معالم فی الطريق به یک کتاب اسلامی شباهت دارد ولی نباید فراموش کنیم که چه پیام‌های خطرناکی در آن برای جوانان هیجانی در پی داشته است و آنها را به سوی رفتارهای افراطی و خلاف اسلام کشانده است.» حتی فردی چون «یوسف العظم» که به واقع مرید قطب است در کتابش «رائد الفكر الاسلامی المعاصر» از او انتقاد می‌کند.

عموم منتقدان مسلمان از اینکه او جامعه مسلمانان را جامعه‌ای جاهلی نامیده و آن را همانند دارالحراب دانسته، انتقاد کرده‌اند (مسجدجامعی، ۱۳۸۹، ۱۷۲). در تفسیر آیه (أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ)، (مائده/۵۰) معتقد است «جاهلیت تنها دوره‌ای از زمان نیست، بلکه جاهلیت وضعی از اوضاع است. این وضع، دیروز بوده است و امروز هم هست و فردا نیز یافت می‌شود» (سید قطب، ۱۳۷۵، ج ۲، ۴۵۷). اما موضوع مهم و نکته شایان توجهی که سید قطب به آن پرداخته است، ارتباط امامت با مفهوم جاهلیت است.

در نگرش شیعی و بر اساس برخی روایات نشناختن امامت به جاهلیت تعبیر شده است. چنانچه پیامبر اکرم (ص) فرمود: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَغْرِفْ إِمَامَ رَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةٍ؛ هر فردی که بمیرد درحالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸، ۳۶۸).

بنابراین اگر کسی امام زمان خود را نشناسد و از فرامین او فرمان نبرد به مرگ جاهلی از دنیا می‌رود. البته این روایت با جزئیاتی اندک در منابع روایی اهل سنت آمده است (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۲، ج ۳، ۱۴۷۵) منتها آنان از این روایت ضرورت شناخت و اطاعت از امام برداشت نمی‌کنند، بلکه صرفاً به ارتباط مردم با حاکم و ضرورت بیعت با او محدود می‌نمایند؛ چه این حاکم واجد شرایط باشد یا نه.

بنابراین معلوم می‌شود جاهلیتی که سید قطب جعل کرده از برداشت‌های ذوقی خود او بوده است و نبایستی حکم به جاهلیت همه جوامع بدهد و خوب بود که سید قطب نظریات ذوقی و ابداعی خود را بر اساس بنای مستحکم و مدلل و مبرهن می‌گذاشت.

۳. تأثیرگذاری بر گروه‌های رادیکال

سید قطب تأثیر شگرفی در ایجاد و شروع جنبش‌های آزادی‌خواهانه بعد از خود نهاد. گرچه سید قطب هیچ‌گاه شاهد تحقق آرزوهای خود که در آثارش آن را ترسیم کرده بود و جانفش را بر آن نهاد بود، نشد. اما ثمره تلاش بی‌وقفه و ایثار و خودگذشتگی او به بار نشست و همفکران اخوان‌المسلمینی او نزدیک یک سال در مصر و در زمان محمد مرسی زمام امور را در دست گرفتند. تفکر و آثار سید قطب می‌توانست انقلابیون را تغذیه فکری کند؛ به همین دلیل برخی از کتاب‌های او در قبل از انقلاب و اوایل انقلاب در ایران طرفدارانی داشت.

بنابراین اندیشه‌های سید قطب در میان انقلابیون قبل از انقلاب اسلامی قابل کتمان نیست و گفت‌مان خاصی در ادبیات نیروهای مذهبی به وجود آورد. اندیشه‌های وی در انقلاب افسران آزاد مصر در سال ۱۹۵۳ موثر واقع شد و همچنان این تفکر انقلابی او در میان مردم و روشنفکران مطرح است و باعث تحرکات سیاسی در میان مسلمانان می‌شود. در این راستا رادیکالیسم اسلامی مثل القاعده به دنبال احیای تفکر او هستند و همچنان از او الهام می‌گیرند.

تعهد سیاسی سید قطب باعث شد که برای ترسیم آینده حرکت‌های انقلابیون مانیفستی را بنویسد. بنابراین در زندان اقدام به نگارش کتابی با عنوان «معالم فی الطریق»، یعنی نشانه‌های راه کرد. این کتاب آخرین اثر او و به عنوان سند جرمش محسوب می‌شود و محتوای ساختارشکنانه آن باعث شد که حکومت مصر تاب هماوردی با روشنگری‌های او را نداشته باشد و آن را از صحنه سیاسی مصر حذف کند. گفته‌اند اگر می‌خواهید بدانید چرا

سید قطب به دار آویخته شد کتاب معالم الطريق را بخوانید (کویل، ۱۳۶۶، ۴۱).

تفسیر سید قطب هم ویژگی‌های خاص خود را دارد و با بقیه تفاسیر متفاوت است. تفسیر او نوعی حرکت و پویایی است (المنهج الحرکی) قرآنی در صحنه و روشی پویا. سید معتقد است «ما بر این ویژگی قرآن تأکید می‌کنیم، زیرا به نظر ما ویژگی واقع‌گرای و پویایی، مهم‌ترین کلید راهیابی به مفاهیم و معارف قرآنی و شناخت دیدگاه‌ها و اهداف وحی است» (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۴، ۱۲۲۱).

بالاخره اندیشه و گرایش‌های سیاسی او به‌گونه‌ای بوده که توانسته بر پیکره سازمان‌های انقلابی مثل القاعده انطباق و چسبندگی فکری ایجاد کند. و بر اساس تفکر و مکتب اعتقادی سید قطب اقدامات عملی و جهت‌گیری‌های رادیکال خود را بنیان گذارند.

سید قطب جامعه و افکار عمومی مسلمانان را متموج کرد و با زبان رسا و با شجاعت مثال‌زدنی اهدافش را برملا کرد. او ویژگی‌ها و شاخصه‌های لازم برای به حرکت درآوردن و خروشان کردن مردم و به وجود آوردن انقلاب را داشت.

۴. نگاه ابزاری به دین

سید قطب دارای یک ویژگی منحصربه‌فرد داشت و آن اینکه دارای گفتمان سیاسی مستقل و خاص خودش بود. او تفکر احیاگرانه داشت، نظریه‌پرداز بود. او پشتوانه علمی حرکت‌ها و جنبش‌های انقلابی و اصلاحی در اواسط قرن بیستم محسوب می‌شود که از مرزهای یک کشور پا را فراتر گذاشت.

به نظر می‌رسد، سید قطب دارای اندیشه سیاسی مستقلی بود و رویکردی مخصوص به خود در جهان‌بینی اسلام داشت و آن را با تفکرات انقلابی ممزوج نمود و شیوه نوینی برای مبارزه طراحی کرد و از آن دفاع می‌نمود. او به ایجاد حکومت الهی بر اساس برداشتی که از تعالیم اسلام داشت فکر می‌کرد و می‌خواست با مبارزه و استعمارستیزی را به اهدافش دست یازد.

سید قطب سعی داشت تفسیر خود را بر اساس واقعیت‌ها تنظیم کند. این است که دروس اسلامی را با شک و تردید نگاه می‌کند و به سراغ فلسفه که دانشی انتزاعی است، نمی‌رود و نگرش فلسفی را که نمی‌تواند دغدغه‌مند واقعیت‌های جامعه باشد را بر نمی‌تابد. بنابراین سید قطب بیشتر به دنبال واقعیت بود تا حقیقت و توجهش به بخش انقلابی و ایدئولوژی دین بود.

البته اگر شرایط سیاسی آن روز مصر و دغدغه‌های مسلمان در آن دوران را مورد توجه قرار دهیم شاید به این باور برسیم که سید قطب این نوع تفکر را برای به جریان انداختن و حرکت دادن مردم در مشارکت سیاسی ترجیح می‌داده. به بیان دیگر شاید سید قطب با دیدن وضعیت جامعه خود این مدل نگاه کردن به دین یعنی بخشی دیدن را انتخاب کرده است و این یکی از وجوه تمایز بین نگرش سید قطب با سایر مفسرین است که دین را به صورت جامع می‌بینند. سید قطب اصرار در خوانش جنبه ایدئولوژی دین آن هم با رویکرد عمل‌گرایان و انقلابی دارد.

سید قطب بیشتر به صحنه و ملاحظات سیاسی عنایت داشت و در یک نگاه بدبینانه می‌شود گفت که نگاه سید قطب به دین تقریباً ابزاری است. قرائتی در زندگی اوست که این را تقویت می‌کند. او در دو دهه آخر عمرش به سراغ مباحث دینی رفته است و بیشتر تلاشش در زمینه ادبیات و شعر و نقد ادبی بوده است. بنابراین اطلاعات اسلامی او از تعمیق مطلوبی برخوردار نیست. برای همین عده‌ای او را بی‌اطلاع از دین و حتی بی‌دین خواندند.

۵. موضع شدید درباره اهل کتاب

سید قطب در برابر اهل کتاب برخورد تند و شدیدی دارد. به نظر او آنها دارای تفکر جاهلی هستند و باید با شدت و خدمت با آنها برخورد کرد تا مانعی برای تحقق حاکمیت اسلامی نباشند.

در تفسیر آیه ۲۹ سوره توبه^۱ سید قطب مسیحیان را متهم می‌کند که به خدا و روز ایمان نداشته و حرام خدا را حرام نمی‌پندارند و مؤمن به دین الهی نیست. بنابراین باید با آنها جنگید تا با ذلت تن به جزیه دهند (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۳، ۱۶۲۸).

و در تفسیر آیه ۲۸ سوره توبه^۲ آنان را جزء کفار محسوب کرده و بنابراین نجس معرفی می‌کند (همان، ۱۶۱۸).

۶. نقد سخت‌گیرانه تمدن غرب

سید قطب و افراد دیگری مثل سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، محمد اقبال، محمدجواد مغنیه با تمام وجود با فرهنگ غرب چالش داشتند. اما انتقادات سید قطب خیلی بی‌محابا و جنجالی بود. سید در تفسیر آیه «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/۱۵۷). فرهنگ غربی را فرهنگ انسانی نمی‌شمرد، بلکه می‌گفت که تمدن غرب گرچه در ظاهر از لحاظ مادی پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی کرده ولی در بعد انسانی و اخلاقی فاجعه‌بار است. او تعبیر فرهنگ پست حیوانی را به کار می‌برد. تمدنی که استفاده ابزاری از زنان را به بهانه آزادی در دستور کار دارد. او می‌گفت که آزادی در غرب، آزادی انسانی نیست و آزادی بدن است در صورتی که در اسلام تلاش می‌شود تا انسان‌ها به آزادی حقیقی و رهایی از غل و بندگی بنده برسند (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۳، ۱۳۷۸).

۱ - قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ. با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمردند و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند!

۲ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محققا بدانید که مشرکان نجس و پلیدند و بعد از این سال (که عهدشان به پایان می‌رسد) نباید قدم به مسجد الحرام گذارند

همچنین سید قطب در تفسیر آیه «فَلَمَّا تَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» (انعام/۴۴).^۱

به موضوع مهلت دادن به مجرمان و سرگرم شدن خلافکاران، پرداخته و نقل می‌کند که وقتی در آمریکا بودم، آشکارا مصداق این فرموده خداوند بزرگوار را می‌دیدم: که مردمان سرمست رفاهی هستند که در آن قرار دارند و همچون بهائم در مادیت غوطه‌ورند و بوی از انسانیت و معنویت نبرده‌اند (سید قطب، ۱۳۹۷، ج ۴، ۱۰۱).

معلوم می‌شود تعریف و تحلیلی که سید قطب از تمدن دارد با آنچه در نظریات متفکرین غربی و یا آنچه عملاً در جوامع غربی می‌گذرد تفاوت فاحشی دارد. سید قطب تمدن واقعی را در سایه‌سار نخل تعالیم اسلامی می‌داند و سودای اجرای قوانین و احکام اسلامی را در سر می‌پروراند.

تمدن اسلامی از دیدگاه سید قطب، وقتی محقق می‌گردد که جامعه اسلامی و نگرش مسلمانان انفصال عملی از تمدن غربی یابند. سید قطب نگران تضعیف هویت اسلامی بود و پیشرفت‌های مادی را مانعی بر سر آن می‌پنداشت. این بود که بی‌محابا به علوم تجربی غربی تاخت و آن را غیرضروری دانست. دلیلش این بود که گسترش و کسب معنویت برای تمدن سازی کفایت می‌کند. معلوم می‌شود که سید این اظهارنظرها را بر اساس احساسات و مقتضیات زمانه خود عنوان کرده و با عقلانیت فاصله دارد.

فرجام سخن

این بود مختصری از مؤلفه‌های نگرشی سیاسی این متفکر اسلامی. سید قطب برای به جریان انداختن روحیه انقلابی در کالبد افراد اصطلاحاتی از جمله جامعه جاهلی و غیره را مطرح ساخت تا مرز خود را با دشمنان به دوستان خود

۱ - پس چون آنچه به آنها تذکر داده شد همه را فراموش کردند ما هم ابواب هر چیز را به روی آنها گشودیم تا چون به نعمتی که به آنها داده شد شادمان و مغرور شدند ناگاه آنها را (به کیفر اعمالشان) گرفتار کردیم و آن هنگام (خوار و) ناامید گردیدند.

اندیشه‌اش مشخص کند و به این وسیله مشاهده می‌کنیم که موجی در جامعه مصر و دیگر کشورها به راه انداختن سید با جوش و خروش و غلیان احساسات و با دلی دردمند با شجاعت و تهور مثال‌زدنی با اظهارنظرهای سیاسی افکار عمومی مسلمانان را به حرکت درآورد، ولی در این راستا هم دچار لغزش‌هایی شد که مورد انتقاد قرار گرفت.

سید قطب که یکی از اعضای اخوان المسلمین مصر به شمار می‌رفت بالاخره به اتهام فعالیت در مسیر براندازی حاکمیت، مظلومانه به اعدام محکوم شد. حاکمیت مصر اندیشه‌های سیاسی ستیزه‌گرانه او را برنتافت؛ چراکه سید آنها را امرای جاهلی می‌دانست. از نظر او مسلمانانی که از شیوه زندگی پیامبر اکرم (ص) فاصله گرفته‌اند، محکوم به جاهیت هستند. البته اندیشه‌های سیاسی سید قطب مسبوق به سابقه است و در تاریخ اسلام در میان علمای مسلمان وجود داشته‌اند، اما سید قطب آنها را به زبان دیگری بیان کرده و گاهی واژه‌های غلط و گمراه‌کننده‌ای را برای بیان منظور خود به کار گرفته است. همچنین، معلوم شد که دغدغه و انگیزه قطب، کوبیدن جامعه و نظام حکومتی و مخالفت با آن به هر قیمتی بوده است؛ به گونه‌ای که وی در این راه گاه از مفاهیم اسلامی استفاده نادرست کرده است.

این است که با الهام از روش‌شناسی کوئنتین اسکینر، زمینه‌ها و بسترهای اتخاذ روش تفسیر سیاسی سید قطب به دو دسته، زمینه‌های عملی (عینی) و زمینه‌های زبانی و ایدئولوژیک توجه شد. بستریابی متفاوتی که سید قطب به آنها تعلق داشت و معناهای مختلف از تفسیر سیاسی را باعث می‌شد. نگرش تفسیر سیاسی او، امری اتفاقی و دفعی نبود، بلکه محصول زمینه‌های مختلفی بود که در ورای دیدگاه سید قطب قرار داشت. به همین منوال اتخاذ این نوع تفسیر قرآن محصول هیجانات و احساسات زودگذر و آنی نیست، بلکه طی فرایندی مدت‌دار شکل گرفت. فرایندی که در آن زمینه‌های عملی و زبانی و ایدئولوژیک با هم در تعامل بودند. مفاهیم و معانی مختلف و متفاوت را باید مبتنی بر بسترها و زمینه‌هایی دانست که در یک فرایند زمان‌بر، به مفاهیم تزریق معنا می‌کنند و البته پرواضح است که نقش اندیشمند و ذهنیت او تحت تأثیر بافت و زمینه‌ای که به آن تعلق دارد، انکارناپذیر است.

این است که در این مقاله برای بررسی و موشکافی متن و اندیشه سید قطب، علاوه بر مطالعه آثار و متون او، زمینه‌های اجتماعی و سیاسی دوره زندگی و همچنین جریان‌ها و گرایش‌های فکری و فضای گفتمانی جامعه آن دوره را مورد بررسی قرار دادیم. خلاصه آنکه دغدغه اصلی سید قطب این بود که روزنه‌ای برای رسیدن به فهم جدید و روزآمد از قرآن، به روی علاقه‌مندان بگشاید. فلذا به روش جدیدی دست یازید و فهم از متون دینی را به شکل متفاوت عرضه کرد. او برای مقابله با مارکسیسم و لیبرالیسم غربی از یک سو و مبارزه با استبداد و گسترش اوهام و خرافات از سوی دیگر، «راه سوم» را با بازگشت به قرآن مطرح کرد و با تغییر روش‌های سنتی دینی‌پژوهی، روش جدیدی در قرآن‌پژوهی طراحی کرد.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۶)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم، انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین (ع).
۲. ابن قیم جوزیه (۱۴۱۱)، اعلام الموقعین. بیروت، دار البحوث العلمیه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۴. اسپریگنز، توماس (۱۳۷۰)، فهم نظریه‌های سیاسی. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، آگاه.
۵. اسکینر، کوئینتن، (۱۳۷۲)، ماکیاولی، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند، تهران، طرح نو.
۶. ایازی، سید محمدعلی (۱۴۱۴)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت ارشاد.
۷. الخالدی، صالح عبدالفتاح (۱۴۱۴)، سید قطب من المیلاد إلى الإستشهاد، دمشق، دارالقلم.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
۹. الحسینی، اسحاق موسی (۱۳۷۷)، اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه هادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۱۰. حقیقت، صادق (۱۳۷۸)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.

۱۱. خان‌محمدی، یوسف (۱۳۹۳)، *سیاسی قرآن در ایران معاصر*، تهران، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۲. رسول‌نژاد، عبدالله (۱۳۷۹)، *سید قطب و شعر او*، تهران، نشر احسان.
۱۳. سیدقطب (۱۳۹۷)، *فی ظلال القرآن*، مترجم. خرم دل، مصطفی، تهران، نشر احسان.
۱۴. سیدقطب (۱۳۴۵)، *آینده در قلمرو اسلام*، ترجمه سیدعلی خامنه‌ای، قم، هجرت.
۱۵. شریعت سنگلجی، محمدحسن (۱۳۶۲)، *کلید فهم قرآن*، تهران، چاپخانه مجلس.
۱۶. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۶۹)، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، مترجم حسن منوچهری، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۷)، *قرآن در اسلام*، قم، بوستان کتاب.
۱۸. عزام، عبدالله (۱۹۹۰)، *عماق الفکر الاسلامی (الشهید سید قطب)*، پیشاور، مرکز شهید عزام الاعلائی.
۱۹. عزام، عبدالله (۱۴۱۰)، *معالم فی الطریق*، قاهره، دار الشروق.
۲۰. علیزاده موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، *سلفی‌گری و وهابیت*، تهران، نشر آوای منجی.
۲۱. کوپل، ژیل (۱۳۶۶)، *پیامبر و فرعون: جنبش‌های نوین اسلامی در مصر*، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان.
۲۲. مرادی، مجید (۱۳۹۴)، *سید قطب در: کتاب اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی*، ترجمه علی‌اکبر علی‌خانی و همکاران، تهران، جهاد دانشگاهی.
۲۳. مغنیه، محمد جواد (۱۳۸۵)، *الکاشف*، ترجمه موسی دانش. قم، بوستان کتاب.
۲۴. مودودی، ابوالاعلی (۱۳۸۹)، *اصطلاحات چهارگانه در قرآن*، ترجمه سامان یوسفی‌نژاد، تهران، نشر احسان.
۲۵. واعظی، احمد (۱۳۸۰)، *درآمدی بر هرمنوتیک*، تهران، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه معاصر.

۲۶. عبدالفتاح، علی (۲۰۱۰)، **أعلام المبدعين من علماء العرب و المسلمين**، بیروت، دار ابن حزم.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، **اصول کافی**. تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۰)، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه وفا.
۲۹. معرفت، هادی (۱۴۱۹)، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب**، مشهد، الجامعه الرضويه للعلوم الاسلامی.
۳۰. مورو، محمد (بی تا)، **جماعات العنف**، قاهره، المختار الاسلامی.
۳۱. فرمانیان، مهدی (۱۳۸۹)، **سلفیه و تقرب**، مجله هفت آسمان، سال ۲، شماره ۴۷.
۳۲. میراحمدی، منصور و احمد مهربان (۱۳۸۷)، **ایدئولوژی سید قطب و اسلام رادیکال**، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۱۳.